

نشریه نثر پژوهی ادب فارسی  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۲۱، دوره جدید، شماره ۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

### ضرورت تصحیح دوباره زاد آخرت ( علمی - پژوهشی )\*

دکتر سلمان ساکت<sup>۱</sup>، ملیحه گزی مارشک<sup>۲</sup>

#### چکیده

زاد آخرت یکی از آثار فارسی ابوحامد محمد غزالی (م: ۵۰۵ ق.) و ترجمه کتاب دیگری از او به نام *بدایه الهدایه* است که فصولی درباره برخی از مباحث کلامی بدان افزوده شده است. این کتاب که گزیده‌ای است از قسمت‌های مختلف *کیمیای سعادت*، در سال‌های ۱۲۶۸ ق. و ۱۲۷۶ ق. در هند به شیوه چاپ سنگی به طبع رسیده است. در سال ۱۳۵۲ ش. مراد اورنگ زاد آخرت را از روی نسخه‌ای بی تاریخ که به شماره ۵۵۵۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، منتشر کرد. این چاپ به دو دلیل عمده «علمی و یکسان نبودن شیوه تصحیح» و «معتبر نبودن نسخه مورد استفاده» با کاستی‌های فراوان همراه است و تصحیح علمی و انتقادی به شمار نمی‌رود. این جستار به معرفی کامل اثر، چاپ اورنگ و اشکالات و نواقص آن پرداخته است تا خوانندگان و پژوهشگران به روشنی دریابند که با وجود اشکالات و ابهامات فراوان در چاپ اورنگ و نیز با توجه به اهمیت اثر و نویسنده آن و دستیابی به نسخ کهن تر و بهتر از زاد آخرت، تصحیح دوباره این اثر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

**واژه‌های کلیدی:** ابوحامد محمد غزالی، زاد آخرت، *بدایه الهدایه*، تصحیح انتقادی، نسخه‌شناسی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول)

Email: saket@um.ac.ir.

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد.

## ۱- مقدمه

## ۱-۱- بیان مسئله

حجّة الاسلام ابوحامد محمد غزالی (م: ۵۰۵ ق.م)، فقیه شافعی و متکلم و متصوف بزرگ ایرانی است که کتاب‌ها، رساله‌ها و نامه‌های متعددی به دو زبان عربی و پارسی از او به جای مانده است. صحت انتساب این آثار به او موضوعی است که از سال‌های دور همواره مورد بحث و بررسی عالمان و محققان بوده و در این باره تحقیقات متعددی انجام شده است. مهم‌ترین و جامع‌ترین این پژوهش‌ها از آن دانشمند مصری، عبدالرحمن بدوی است که با عنوان *المؤلفات الغزالی* منتشر شده است. بدوی تنها ۱۷۲ اثر را بدون شک متعلق به غزالی دانسته که *زاد آخرت* یکی از آنهاست (ن.ک: بدوی، ۱۹۷۷: ۱-۲۳۸). بر بنا بر نظر بدوی تنها سه اثر فارسی *کیمیای سعادت*، *نصیحة الملوک* و *زاد آخرت* بی هیچ تردیدی از آن غزالی است<sup>۱</sup>.

*زاد آخرت* در حوزه فقه و اخلاق تألیف شده است و در زمره آثار اواخر عمر غزالی به شمار می‌رود. این کتاب ترجمه‌ای است به فارسی از دیگر اثر غزالی به نام *بداية الهدایه* که در مقایسه با آن، فصولی درباره برخی از مباحث کلامی اضافه دارد. همچنین بخش عمده مطالب *زاد آخرت* برگرفته از *کیمیای سعادت* است. غزالی هر آنچه را که هر مسلمان باید در سفر آخرت به عنوان زاد و توشه به همراه داشته باشد، از بخش‌های مختلف ربع‌های عبادات، معاملات و مهلکات برگزیده و در این کتاب گرد آورده است. او انگیزه خود را از نگارش *زاد آخرت* به فارسی، استفاده «عوامی» دانسته که از یک سو توانایی خواندن و «قوت» فهم مطالب *کیمیای سعادت* را ندارند و از سوی دیگر چون زبان تازی نمی‌دانند، از *بداية الهدایه* فایده‌ای نمی‌برند<sup>۲</sup> (غزالی، ۱۳۵۲: ۳).

کتاب با مقدمه‌ای کوتاه درباره ناپایداری دنیا و فانی بودن انسان در این جهان آغاز شده و فصولی در تنزیه، قدرت، علم، ارادت، سمیع و بصیر [بودن]، کلام، افعال، صفت آخرت و نبوت که زیر نام «معنی کلمه لا إله الا الله محمد رسول الله» فراهم آمده، بدان افزوده شده است. سپس دو متمم با عناوین «در طاعت داشتن فرمان» و «در بیان کردن معاصی» آمده، که اولی به طهارت و نگاه داشتن اوراد روز و شب و نماز و روزه محدود است و دیگری به نگاه داشتن هفت اندام و دل از گناهان. بخش پایانی «پیدا کردن آداب

صحبت با خالق و مخلوق» است که حدود یک سوم کتاب را در بر می‌گیرد. غزالی زاد و بدرقه آخرت را به ترتیب «تقوی» و «ایمان» دانسته، از این رو به دو قسم اصلی کتاب و آداب صحبت با دیگران، فصولی را «در بیان اعتقادی که ایمان بدان درست شود» افزوده تا به گفته خود علم ایمان را به عمل تقوی اضافه نموده و زاد و بدرقه را توأمان بیان کرده باشد (همان: ۲-۳).

از آنجا که تعداد تألیفات فارسی غزالی بسیار اندک است، تصحیح علمی و انتقادی هر یک از این آثار، مهم و ضروری است و به شناخت محققان درباره افکار و آرا و سبک شخصی وی کمک خواهد کرد. با این وجود زاد آخرت تاکنون به صورت علمی و انتقادی تصحیح و چاپ نشده است و تصحیح دوباره آن با توجه به اشکالات چاپ‌های قبلی و نسخ متعدّد دستیاب، بایسته و ضروری است.

#### ۱-۲- پیشینه تحقیق

#### ۱-۲-۱- چاپ‌های پیشین

#### الف) چاپ‌های سنگی

زاد آخرت دو بار در هند به سال‌های ۱۲۶۸ق. و ۱۲۷۶ق. به روش چاپ سنگی منتشر شده است<sup>۳</sup> (نوشاهی، ۱۳۹۰: ۲۷۳/۱). هر دوی این چاپ‌ها را فردی به نام سید محمد شاه قادری در مطبع مسلمانی به طبع رسانده است. این شخص خود در پایان چاپ مورخ ۱۲۷۶ ق. درباره این دو چاپ نوشته است: «این کتاب برکت نصاب پیش از این در سنه ۱۲۶۸ هجری معراً به قالب طبع درآمده، رونق اشتها یافته بود اما چون هنوز مشتاقانش از دایره شوقش در تب و تاب و تشنگان وادی تمنایش ناسیراب بودند، لهذا بار دیگر اول به مقدار امکان خود تصحیح متنش نمودم پس از آن معنی آیات کلام الله و ترجمه ادعیه مأثوره و معانی لغات دقیقه و فواید بسیار از کتب معتمد معروفه بر آن افزودم. به عون یزدانی به تاریخ شانزدهم ذی‌قعدة سنه ۱۲۷۶ هجری مطبوع گردید» (غزالی، ۱۲۷۶ ق.: ۶۳). مقایسه این دو چاپ نشان می‌دهد که ادعای سید محمد شاه قادری درست است و در چاپ ۱۲۷۶ ق. اشکالات و نادرستی‌های چاپ قبل برطرف و توضیحات فراوانی در حواشی بدان افزوده شده است. البته چاپ مورخ ۱۲۶۸ ق. نیز مطالب و توضیحاتی در حاشیه درباره لغات، ترجمه آیات و احادیث و برخی از اصطلاحات دارد، اما این مطالب

در چاپ بعدی بیشتر، منسجم تر و منظم تر است. همچنین برای کلمات و عباراتی از متن در حاشیه نسخه مورخ ۱۲۷۶ ق. با علامت «ب» نسخه بدل داده است، اما معلوم نیست که نسخه منقول عنه چه نسخه‌ای بوده است. چنان که محمد شاه قادری خود گفته است، کوشیده تا متن را تصحیح کند، اما نتیجه کار، تصحیح علمی به معنای دقیق کلمه و به شیوه امروزی نبوده است. به طور کلی مقایسه و مقابله این دو چاپ سنگی نشان‌دهنده آن است که از نظر متن، جز در مواردی معدود، اختلاف چندانی با یکدیگر ندارند.

### ب) چاپ اورنگ

در سال ۱۳۵۲ خورشیدی مراد اورنگ زاد آخرت را از روی دست‌نویس شماره ۵۵۵۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به چاپ رساند. این نسخه فاقد تاریخ کتابت است و در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی از حدود قرن ده دانسته شده است (حائری، ۱۳۴۸: ۱۷/۲۰). اورنگ در مقدمه، اثر و نویسنده و نیز نسخه مورد استفاده و روش کار خود را به طور کامل و دقیق معرفی نکرده است، بلکه به جای آن روایتی از چگونگی و چرایی تصمیم خود برای تصحیح و انتشار زاد آخرت آورده است (رک: غزالی، ۱۳۵۲: ت). او در مقدمه تنها به ارتباط اثر با *بلدیه الهدایه* اشاره کرده و گفته است که چون زاد آخرت ترجمه مانندی از *بلدیه الهدایه* است، برای رفع ابهامات متن به آن کتاب مراجعه کرده است (همان: ث). او در جای دیگر گفته است که چون یک نسخه در اختیار داشته، هرگاه درباره برخی از واژه‌ها و عبارات نامفهوم دچار تردید می‌شده، از *بلدیه الهدایه* و شرح عربی آن، *احیاء العلوم*، *کیمیای سعادت* و *نصیحة الملوک* بهره می‌برده است (همان: ج). در چاپ اورنگ پس از متن زاد آخرت، بخشی با عنوان «توضیحات» آمده است که بیشتر شامل ترجمه آیات و احادیث و گاه نکاتی درباره بخش‌هایی از زاد آخرت است. این توضیحات اغلب بدون ذکر منبع است و یا اگر منبعی معرفی شده، کتاب‌شناسی آن به طور کامل نیامده است.

### ۲-۱-۲- مقالات

در سال ۱۳۵۴ ش. احمد افشار شیرازی مقاله‌ای درباره زاد آخرت منتشر کرد و در آن علاوه بر اشاره‌ای گذرا به اشکالات چاپ اورنگ، شش نسخه دیگر از این اثر را معرفی کرد (افشار شیرازی، ۱۳۵۴: ۱-۵).

### ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

زاد آخرت از جهات مختلف دارای اهمیت است، از جمله اهمیت نویسنده آن، مسلم بودن صحت انتسابش به غزالی و اینکه در زمره معدود آثار فارسی او به شمار می‌رود. بنابراین کوشش برای معرفی اثر و ارائه متن نزدیک به صورت اصلی نوشته غزالی ضرورت دارد.

در این مقاله نویسندگان کوشیده‌اند تا با تکیه بر دو دلیل عمده ضرورت تصحیح دوباره این اثر را به روشنی اثبات کنند: نخست اینکه تاکنون زاد آخرت به صورت علمی و انتقادی تصحیح و چاپ نشده و چاپ قبلی دارای اشکالات و ابهامات فراوان است. و دیگر آنکه با پیگیری نگارندگان نسخ معتبر و متأخری از این کتاب دستیاب شده‌است که با مقابله و استفاده از آن‌ها می‌توان چاپی معتبر و نزدیک به متن اصلی ارائه کرد.

بدین منظور ابتدا چاپ اورنگ را به دقت بررسی و نقد قرار کرده‌اند و اشکالات آن را در تقسیم‌بندی‌های منظمی ارائه نموده‌اند. سپس نسخ معتبر در دسترس را معرفی کرده و نشان داده‌اند که با تکیه بر آن‌ها می‌توان تصحیح انتقادی از زاد آخرت انجام داد.

### ۲- بحث

چنان که پیشتر گفته شد، چاپی که اورنگ از زاد آخرت به دست داده‌است، اشکالات و کاستی‌های فراوان دارد و به هیچ روی نمی‌توان آن را تصحیحی انتقادی و علمی به شمار آورد. این امر به طور عمده نشأت گرفته از ناآشنایی اورنگ با فن تصحیح و نامعتبر بودن نسخه مورد استفاده او بوده‌است. افزون بر این، دستیابی به نسخ متعدد کهن تر و بهتر از زاد آخرت که در کتابخانه‌های مختلف سراسر جهان نگهداری می‌شود، تصحیح دوباره این اثر را ضروری ساخته‌است.

در ادامه مهم‌ترین دستنویس‌های زاد آخرت را معرفی می‌کنیم و سپس به اهم اشکالات چاپ اورنگ که اصلی‌ترین دلیل ضرورت تصحیح دوباره زاد آخرت است، اشاره خواهیم کرد.

## ۲-۱- معرفی دستنویس‌های زاد آخرت

از آنجا که غزالی و آثار او همواره در طول ادوار مختلف مورد توجه بوده‌اند، نسخ متعددی از هریک از آثار وی کتابت شده و در کتابخانه‌های سراسر دنیا نگهداری می‌شود. از *زاد آخرت* هم در فهرست‌های نسخ خطی و کتاب‌های شرح احوال و آثار غزالی حدود ۲۰ نسخه کامل و ناقص ثبت شده‌است. از میان آن‌ها شش نسخه به واسطه قدمت، صحت و کامل بودن معتبرترند. این شش نسخه عبارتند از:

۱. نسخه شماره ۲۸۶ کتابخانه ملی پاریس (سید حسین زاده، ۱۳۸۰: ۱۹۹ و Richard, 1989:1/ 299) مورخ ۷۴۵ ق.

۲. نسخه مورخ ۸۱۳ ق. که در مجموعه شماره ۶۵۲ کتابخانه ایاصوفیه استانبول است (حسینی، ۱۳۹۰: ۵۹۱-۵۹۳)

۳. نسخه شماره ۹۴ کتابخانه معصومیه قم که تاریخ کتابت ندارد و بنا بر گفته فهرست‌نویس بسیار کهن است (نقیبی، ۱۳۷۵: ۱۱۶/۱).

۴. نسخه شماره ۱۵۶۳۸ کتابخانه گنج بخش در پاکستان مورخ قرن ۱۰ (تسیحی، ۱۳۸۴: ۳۴۶).

۵. نسخه شماره ۱۶۰۵ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز، مورخ ۱۰۸۱ ق. (برکت، ۱۳۸۴: ۱۷۰).

۶. نسخه شماره ۱۶۱۶۵/۳۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۲۶۵ ق. (درایتی، ۱۳۹۰: ۱۷/۴۲۱).

آشکار است که با در دست داشتن این نسخ و مقابله آن‌ها با یکدیگر می‌توان تصحیحی جدید و انتقادی از *زاد آخرت* ارائه کرد.<sup>۴</sup>

## ۲-۲- اشکالات عمده چاپ اورنگ

### ۲-۲-۱- به دست نیاوردن نسخ موجود

پس از انتشار چاپ اورنگ، در سال ۱۳۵۴ ش. احمد افشار شیرازی بر مبنای تحقیقاتی که به گفته خود از پانزده سال پیش از آن، یعنی از حدود سال ۱۳۴۰ ش. آغاز کرده بود، مقاله‌ای درباره *زاد آخرت* منتشر کرد و در آن علاوه بر اشاره‌ای گذرا به اشکالات چاپ

اورنگ، شش نسخه دیگر از این اثر را معرفی کرد و مدعی شد که اغلب آن‌ها را در اختیار دارد (افشار شیرازی، ۱۳۵۴: ۱-۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وقتی اورنگ مشغول تصحیح کتاب از روی دست‌نویس کتابخانه مجلس بوده‌است، دست‌کم پنج یا شش نسخه دیگر در ایران شناسایی شده و کم و بیش در اختیار بوده‌است، ولی او یا از وجود آن‌ها آگاهی نداشته و یا از نسخه‌یابی و نسخه‌جویی تن زده و به تصحیح بر اساس همان تک نسخه بسنده کرده‌است.

### ۲-۲-۲- نداشتن شیوه علمی و روش یکسان در استفاده از منابع

همان‌طور که اشاره شد، اورنگ به جای یافتن نسخ دیگری از زاد آخرت و استفاده از آن‌ها در تصحیح خود، برای رفع ابهامات نسخه کتابخانه مجلس، به دیگر آثار غزالی مراجعه کرده‌است، اما در این کار شیوه‌ای علمی و یکسان به کار نبسته و از این روی اشکالات و کاستی‌هایی به متن مصحح وی راه یافته‌است. عمده این اشکالات عبارتند از:

الف) برخلاف آنچه گفته‌است در تمامی موارد مبهم به منابع مورد اشاره خود رجوع نکرده، یا اگر رجوع کرده، دقت لازم را به کار نبسته‌است، در نتیجه گاهی ابهام متن همچنان باقی مانده در حالی که اورنگ درباره آن‌ها هیچ توضیحی ارائه نکرده‌است. برای نمونه عبارت «چون ندانی مال بعینه از کجاست، بغالب فراگیر و از آن دور باش و مال دیگر مسلمانان همه حلال دان مگر آنکه دانی که او از چه حرام است. روشن مال وقف بود که کسی بخلاف شرط واقف بستاند چنانکه واقف صوفیان خورد و صوفی نباشد... یا در مدرسه وقف طلبه علم خورد و وی بطالب علمی مشغول نباشد» در چاپ اورنگ (ص ۴۴)، مبهم و نامفهوم است، در حالی که در *بدایة الهدایه* در این بخش عبارت: «وَإِنْ أَمْكَنْ أَنْ يَكُونَ حَلَالًا نَادِرًا فَهُوَ حَرَامًا لِأَنَّهُ الْغَالِبُ عَلَى الظَّنِّ. وَ مِنَ الْحَرَامِ الْمَحْضِ مَا يُؤَكَّلُ مِنَ الْأَوْقَافِ مِنْ غَيْرِ شَرْطِ الْوَاقِفِ فَمَنْ لَمْ يَسْتَعْلِ بِالتَّقَهُ فَمَا يَأْخُذُهُ مِنَ الْمَدَارِسِ حَرَامٌ وَمَنْ إِرْتَكَبَ مَعْصِيَةً تُرَدُّ بِهَا شَهَادَتُهُ فَمَا يَأْخُذُهُ بِاسْمِ الصُّوفِيَةِ مِنْ وَقْفٍ أَوْ غَيْرِهِ حَرَامٌ» (غزالی، بی تا: ۳۱) آمده که کاملاً روشن است و ابهامی ندارد، اما اورنگ بدون هیچ توضیحی از کنار آن عبور کرده‌است.

همچنین عبارت «و بدان که بنده از سه حال خالی نباشد. در تجارت آخرت یا بر سود است و هر که اندرین هر دو مقصر است بر زیان است و اگر چنان است که به طلب سود

مشغول نیستی جهد آن کن که سر به سر بجهی ...» در صفحه ۲۰ چاپ اورنگ مبهم است و او متوجه آن بوده و در پانوشت آورده است: «خوب روشن نیست». در صورتی که با دقت در متن *بداية الهدایه*، ابهام عبارت رفع و روشن می شود که بخشی از عبارت افتاده است. در آنجا آمده است: «وَ اعْلَمَ إِنَّ الْعَبْدَ فِي حَقِّ دِينِهِ عَلَى ثَلَاثِ دَرَجَاتٍ: إِمَّا سَالِمٌ وَ هُوَ الْمُقْتَصِرُ عَلَى الْأَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ تَرْكِ الْمَعَاصِي أَوْ رَابِحٌ وَ هُوَ الْمُتَطَوِّعُ بِالْقُرْبَاتِ وَ النَّوَافِلِ، أَوْ خَاسِرٌ وَ هُوَ الْمُقْتَصِرُ عَنِ اللَّوَاظِمِ. فَإِنْ لَمْ تَقْتَدِرْ أَنْ يَكُونَ رَابِحًا فَاجْتَهِدْ أَنْ تَكُونَ سَالِمًا، وَ إِيَّاكَ ثُمَّ إِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ خَاسِرًا»<sup>۶</sup> (همان: ۱۴).

ب) در مواردی که به این منابع رجوع کرده روش یکسانی را رعایت نکرده است، گاهی به دلخواه ضبط آن‌ها را به متن برده و گاهی تنها در پانوشت به ضبط منابع اشاره کرده و آن‌ها را به متن نبرده است، برای نمونه در صفحه ۶۳ آمده است: «و هر جا که جماعتی مردم بینی با ایشان بایست»، اورنگ در پانوشت آورده است: «در بدایه: لا تقف. یعنی نایست». چنان که می بینیم آنچه در *بداية الهدایه* آمده، صحیح است اما اورنگ در اینجا به ضبط نسخه وفادار مانده است.

در صفحه ۵۶ اورنگ بنا بر *بداية الهدایه* متن را تغییر داده و برای عبارت «و ایشان مردمان مجهول و پراکنده» را کم بینی» در پانوشت آورده است: «در متن: نبینی، در *بداية الهدایه*: وَ الْإِحْتِرَازُ عَنْ كَثْرَةِ لِقَائِهِمْ، یعنی دوری جستن از زیاد دیدار کردنشان». در صفحه ۳۰ آمده: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ<sup>۷</sup>». اورنگ درباره واژه «مسیح» در بخش توضیحات (ص ۱۰۱) شرح مفصلی آورده و گفته است که این واژه در شرح *بداية الهدایه*، *احیاء العلوم* و در خود نسخه «مسیح» است، اما در نهایت بر اساس کتاب *فقه محمدی* تألیف مردوخ کردستانی، واژه «مسیح» را به متن برده است!

ج) گاهی مصحح بنا بر دریافت شخصی و به صورت قیاسی متن را تغییر داده تا رفع ابهام کند، اما این تصحیح قیاسی به نادرستی صورت گرفته و ابهام را برطرف نکرده است. برای نمونه در صفحه ۹ می خوانیم: «نیمه چپ از تن خویش فرایش دار تا پای چپ بنشستن در طهارت جای نهی». اورنگ در پانوشت توضیح داده: «در متن: پیشستن» و در چاپ خود



«بنشستن» را آورده است. این در حالی است که این عبارت در نسخه کتابخانه ملی پاریس «پای چپ پیشتر...» است (غزالی، ۷۴۵: ۱۶). بنابراین اگر او در پی تصحیح قیاسی بوده، باید به جای «بنشستن»، «پیشین» ضبط می کرده که به معنای «پیشتر» است.

در صفحه ۵۸ آمده: «و دوست سه است: ... سیم برای انس و روزگاری گذاشتن. با وی با دل نیکو نداری و آن نگاه باید داشتن که از شر وی سلامت یابی». در پانوشت در توضیح «نیکو نداری» آورده: «در متن: نیکر ندازی». چنان که می بینیم اورنگ عبارت موجود در نسخه را به عبارتی دیگر تغییر داده که خود مبهم است و قرار دادن نقطه در جای نادرست بر این ابهام افزوده. جمله در نسخه چنین است: «سیم برای انس و روزگاری گذاشتن با وی با دل بنگر ندازی وی آن نگاه باید داشتن که از شر وی سلامت یابی» (غزالی، بی تا: ۱۱۳). در نسخه کتابخانه ملی پاریس آمده: «سیم برای انس [و] روزگار گذاشتن تا دل بنگیرد، از وی آن نگاه باید داشت که از شر وی سلامت یابی» (غزالی، ۷۴۵: ۱۵۷ پ).

د) عبارات و جملاتی در این چاپ وجود دارد که ابهامی ندارند، اما اورنگ پس از توضیحات نسبتاً طولانی در پانوشت درباره آنها گفته است: «روشن نیست». برای نمونه در صفحه ۲۰ آمده است: «و خسیس زنده باشد که نیکوترین احوال وی آن بود که با مرده برابر بود». مصحح پس از آنکه در پاورقی درباره نحوه کتابت کلمه «خسیس» توضیحاتی ارائه داده است، در نهایت جمله را به همین صورت در متن آورده و نوشته است: «با همه اینها معنی درست به دست نمی آید»، در حالی که تنها اگر «زنده» را به صورت «زنده‌ای» بخوانیم معنا کاملاً واضح است. در *بدایه الیهادیه* نیز آمده است: «و ما اخص حال من سلامه دینه فی تعطیل حیاة اذا النوم أحو الموت و هو تعطیل الحیاة و التحاق بالجمادات» (غزالی، بی تا: ۱۵۷).

## ۲-۳- اشکالات ویرایشی و نگارشی

### الف) رسم الخط

رویکرد اورنگ به حفظ و ضبط رسم الخط نسخه و یا امروزی کردن آن نامشخص است. از یک سو او در مقدمه ویژگی‌های رسم الخطی دست‌نویس را معرفی نکرده است و از سوی دیگر گاه در پانوشت صفحات، رسم الخط واژه‌ها را متذکر شده است. این تذکرها نشان می‌دهد که او با رسم الخط نسخ قدیم آشنایی نداشته و بسیاری از ویژگی‌های

نوشتاری دست‌نویس‌های کهن را غلط می‌پنداشته‌است، چرا که گاه صورت اصلی واژه‌هایی را در پانویشت آورده و صورت امروزی آن‌ها را در متن قرار داده‌است؛ برای نمونه برای واژه «ناچار» (ص ۲۵) در پاورقی نوشته‌است که در متن «ناچار» است. او نگارش «آ» به صورت «ا» را نامأنوس دانسته و برای واژه «آغاز» (ص ۲۸) در پانویشت توضیح داده که در متن «آغاز» است. این همه در حالی است که او در قریب به اتفاق موارد رسم‌الخط دست‌نویس را حفظ کرده‌است، بنابراین تنها مواردی را که غلط می‌پنداشته در پانویشت متذکر شده‌است.

او همزه‌ای را که روی حرف «س» کشیده قرار دارد، نقطه در نظر گرفته و مثلاً در صفحه ۲۵ در پانویشت برای کلمه «نیست» که روی «س» آن در نسخه همزه وجود داشته، نوشته‌است: «متن: نیست».

اورنگ با مسائل زبان‌شناسی تاریخی هم‌آشنایی نداشته و برای نمونه «دوستترین» دست‌نویس را به «دوستترین» تغییر داده و به متن برده‌است (ص ۶۰).

افزون بر این‌ها، حفظ رسم‌الخط اغلب بیش از حدی بوده که در میان مصححان رواج دارد، تا آنجا که در مواردی خواننده را به اشتباه می‌اندازد، برای نمونه:

- کاربرد همزه به جای «ای» نشانه نکره و شناسه دوم شخص مفرد، مانند: بنده (= بنده‌ای)، نه (= نه‌ای (نیستی))، کرده (= کرده‌ای).
- کتابت «گک» به صورت «کک»: پگاه (= پگاه)، کفت (= گفت)، مکس (= مگس).
- اجتناب از به‌کاربردن «ی» میانجی: ریا خلق (= ریای خلق).
- حذف «های غیر ملفوظ» در کلمات مختوم به «ه» که با «ها» جمع بسته می‌شوند: جامها (= جامه‌ها)، سورها (= سوره‌ها).
- کاربرد «ی» به جای «یی» در کلمات مختوم به الف ممدود: سوره‌های (= سوره‌هایی)، دعای (= دعایی)، پارسای (= پارسایی (در معنی مصدری)).

### ب) استفاده نکردن یا استفاده نابجا از علایم نگارشی

در چاپ اورنگ غیر از نقطه، تنها علامتی که دیده می‌شود، ویرگول است که آن هم به‌ندرت به کار رفته‌است. برای نمونه در عبارت زیر هیچ علامت نگارشی به کار نرفته و خواندن و فهم آن را دشوار کرده‌است: «چنان که ذات ایزد تعالی و تقدس در دل ما معلوم

است و بر زبان ما مذکور است و علم ما آفریده و معلوم قدیم و ذکر ما آفریده و مذکور قدیم همچنان کلام او در دل ما محفوظ و در زبان ما مقرو و در مصحف مکتوب محفوظ نامخلوق و حفظ و کتاب مخلوق و مقرو نامخلوق و قرات مخلوق» (ص ۶).

گذشته از این، در بسیاری از موارد نقطه در جای مناسب خود قرار نگرفته، لذا بر ابهام متن افزوده است. حتی گاهی نمونه‌هایی دیده می‌شود که متن دست‌نویس خود ابهام دارد، ولی مصحح نه تنها به ابهام اشاره‌ای نکرده که با گذاشتن نقطه‌های نابجا بر ابهام متن افزوده است؛ برای نمونه:

«و هر لذت و ولایت و شادی که بر روی زمین است گردی است از آن کلوخ که از برخاستن آن غباری تا نشستن و ناچیز شدن. پس تفاوتی نبود بلکه بزرگان گفته‌اند: ...» (ص ۲). این عبارت در کهن‌ترین نسخ چنین است: «و هر ولایت و لذت و شادی که بر وی است گردی است از آن کلوخ که از برخاستن آن غبار تا نشستن و ناچیز شدن بس تفاوتی نبود بلکه بزرگان چنین گفته‌اند: ...» (غزالی، ۷۴۵ق: ۷۸).

«و مال دیگر مسلمانان همه حلال دان مگر آنکه دانی که از چه حرام است. روشن مال وقف بود که کسی به خلاف شرط واقف بستاند چنانکه واقف صوفیان خورد و صوفی نباشد بصفت و سیرت» (ص ۴۴). عبارت فوق در نسخه پاریس چنین است: «و مال دیگر مسلمانان حلال دان مگر آنکه دانی که از وجهی حرام است روشن. و از جمله حرام روشن مال وقف باشد که کسی بستاند نه به شرط واقف، چنان که وقف صوفیان خورد و صوفی نبود به صفت و سیرت» (غزالی، ۷۴۵ق: ۱۳۷ر).

«و وی حسد کردی کسی را که علم آموختی یا عمل کردی. چون عمل وی زیان در ایشان زدی» (ص ۵۱). این عبارت در نسخه مورد استفاده اورنگ به صورت: «و وی حسد کردی کسی را که علم آموختی یا عمل کردی چون عمل وی زیان در ایشان زدی» (غزالی، بی تا: ۹۸ر) و در نسخه کتابخانه ملی پاریس به صورت: «وی حسد کردی کسی را که علم آموختی و یا عملی کردی چون عمل وی، در ایشان زیان دراز کردی» (غزالی، ۷۴۵ق: ۱۴۷ر) آمده است.

## ۲-۲-۴- ابهام در متن

ابهامات در چاپ اورنگ عمدتاً از دو علت نشأت گرفته است: یا از خطای مصحح و یا از خطای کاتب. خطاهای مصحح خود به دو دسته «بدخوانی‌ها» و «جا انداختن‌ها» تقسیم می‌شوند. لغزش‌های کاتب نیز در دو دسته «کتابت نادرست واژه‌ها و عبارات» و «افتادگی‌ها» جای می‌گیرند. نگارندگان به منظور فایده‌مندی بیشتر، علاوه بر مقایسه چاپ اورنگ با نسخه مورد استفاده او، از نسخه شماره ۲۸۶ کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.) که اقدم و اصح نسخ شناخته شده از *زاد آخرت* است، بهره برده و ضبط آن را نیز به دست داده‌اند. بدین گونه علاوه بر اشکالات چاپ اورنگ، ضرورت استفاده از نسخ کهن تر و صحیح تر *زاد آخرت* برای تصحیح مجدد آن نشان داده می‌شود.

## ۲-۲-۴-۱- خطاهای مصحح

## الف) بدخوانی‌ها

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ	چاپ اورنگ
پس هر دو دست را <u>تر</u> کن (۹۴ ر)	پس هر دو دست <u>تر</u> <sup>۸</sup> بکن (۱۳ پ)	پس هر دو دست <u>پاک</u> تر بکن (ص ۱۲)
پس پای راست بشوی تا نیمه ساق که هر جای که آب برسد، <u>پیرایه</u> تا آنجا برسد در بهشت (۹۴ پ)	پس پای راست بشوی تا میان ساق یا به هر جای که آب برسد <u>پیرایه</u> <sup>۹</sup> در بهشت تا به آنجا برسد (۱۵ ر)	پس پای راست بشوی تا میان ساق یا به هر جای که آب برسد <u>سرایه</u> در بهشت تا به آنجا برسد (ص ۱۲)
و در وقت برآوردن دست و فرو گذاشتن، از جانب راست و چپ بیرون میر و <u>بیش</u> بیرون میار (۱۱۶ ر)	و در وقت برآوردن دست فرو گذاشتن از جانب راست و چپ میر و <u>بیش</u> بیرون میاور (۲۷ پ)	و در وقت برآوردن دست [و] فرو گذاشتن از جانب راست و چپ میر و <u>بیش</u> بیرون میاور (ص ۲۷)

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ	چاپ اورنگ
طاعت که بنده کند یکی به ده باشد و زیادت همی شود تا هفصد مگر روزه (۱۲۷ ر)	هر طاعت که بنده کند یکی به ده شود و زیادت میشود که به هفصد مگر روزه (۳۵ پ)	هر طاعت که بنده کند یکی به ده شود و زیادت میشود که به هفتصد میرسد مگر روزه (ص ۳۶)
و غیبت به توبه برنخیزد، تا آنگاه که بحلی خواهد (۱۳۱ ر)	و غیبت از توبه برنخیزد تا آنگاه که بحلی نخواهد (۳۸ پ)	و غیبت از توبه برنخیزد تا آنگاه که تحلی نخواهد (ص ۳۹)
چهارم، دور باش از جدل و خصومت کردن (۱۳۳ ر)	چهارم جدلست دور باش از جدل و خصومت کردن (۴۰ ر)	چهارم جدالست دور باش از جدال و خصومت کردن (ص ۴۱)
آمزش و رحمت چشم می‌داری بی جهد و کردار نیک (۱۳۹ پ)	آمزش و رحمه چشم داری بی جهد و کردار (۴۵ ر)	آموزش و رحمه چشم داری بی جهد و کردار (ص ۴۶)
آداب خلوت با حق تعالی آن است که ... نگذاری که هیچ چیز بر دل تو بگذرد جز وی (۱۵۱ پ)	و به دل با حق تعالی حاضر باشی و نگذاری که هیچ چیز جز وی در دل تو گذرد (۵۴ پ)	و به دل با حق تعالی حاضر باشی و نگذاری که هیچ چیز جز وی در دل تو گذارد (ص ۵۴)
و وی را از دنیا به آخرت خواند و از حرص به زهد (۱۵۳ ر)	و وی را از دنیا به آخرت خواند و از حرص با زهد خواند (۵۴ پ)	و وی را از دنیا به آخرت خواند و از حرص باز خواند (ص ۵۵)
و از آن چیزی که بر زفان ایشان رود، گوش نداری (۱۵۴ پ)	و آنچه در زبان ایشان رود گوش نداری (۵۵ پ)	و آنچه در زبان ایشان دود گوش نداری (ص ۵۶)
و گفته‌اند که مردم سه‌است....	و گفته‌اند مردم سه‌است	و گفته‌اند مردم سه‌است ...

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ	چاپ اورنگ
یکی همچون علت که به هیچ کار نیاید، لکن چون کار بیفتاد صبر باید کرد و مدارا تا برگزرد (۱۵۷ پ)	... یکی همچون علت است که به هیچ کار نیاید لیکن چون کار افتاد با وی صبر باید و مدارا تا فرا گذارد (۵۸ ر)	یکی همچون علت است که به هیچ کار نیاید لیکن چون کار افتاد با وی صبر باید و مدارا تا فرار کند (ص ۵۹)
و پیکار وی بکشی <sup>۱۰</sup> در غیبت وی و چون کسی سخن وی گوید، همچنان که پیکار خویش بکشی، از آن وی نیز بکشی (۱۵۹ پ)	و بیکار وی بکشی و کین وی از دیگران بخواهی در غیبت وی، چون کسی سخن وی گوید. هم چنانکه بیکار خویش کشی (۵۹ ر)	و بیگار وی بکشی و کین وی از دیگران بخواهی در غیبت وی، چون کسی سخن وی گوید. هم چنانکه بیگار خویش کشی (ص ۶۰)
و سلامت آن کس یابد که انصاف بدهد و انصاف نخواهد (۱۶۳ پ)	و سلامت آن یابد که انصاف بدهد و انصاف نخواهد (۶۲ ر)	و سلامت آن یابد که انصاف بدهد و انصاف بخواهد (ص ۶۳)
باوقار باش بی تکبر <sup>۱۱</sup> (۱۶۴ ر)	باوقار باش بی تکبر (۶۲ ر)	باوفا باش بی تکبر (ص ۶۳)

### ب) جا انداختن متن

منظور عباراتی است که در نسخه مورد استفاده اورنگ وجود داشته است، ولی در متن

مصحح او دیده نمی شود. مهم ترین آن ها عبارتند از:

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ	چاپ اورنگ
پیوسته سر در پیش افکنده باشد نه بر سبیل تکبر، بلکه بر سبیل هیبت (۱۵۲ ر)	پیوسته سر در پیش افکنده باشد نه بر سبیل تکبر لیکن بر سبیل هیبت و حرمت (۵۴ ر)	پیوسته سر در پیش افکنده باشد نه بر سبیل هیبت و حرمت (ص ۵۴)

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ	چاپ اورنگ
	(ر)	
چون دوستی خواهی گرفت، باید که پنج خصلت در وی بود: اول عقل ... و دیگر باید که نیکوخوای باشد ... خصلت سیم صلاح است ... خصلت چهارم آنکه بر دنیا حریص نباشد ... <u>خصلت پنجم آنکه راست گوی باشد (۱۵۷ ر)</u>	چون دوست خواهی گرفت باید که پنج خصلت در وی موجود باشد ... اول عقل ... دوم باید که نیکوخوای باشد ... سیم خصلت صلاح است ... چهارم آنکه بر دنیا حریص نباشد ... <u>پنجم خصلت آنکه راست گوی بود (۵۶ ر)</u>	چون دوست خواهی گرفت باید که پنج خصلت در وی موجود باشد ... اول عقل ... دوم باید که نیکوخوای باشد ... سیم خصلت صلاح است ... چهارم آنکه بر دنیا حریص نباشد <sup>۱۲</sup> (ص ۵۷)
هر که حاجت تو روا کند، شکر کن و اگر تقصیری کند، شکایت مکن و عذر وی از خویشتن بخواه و چون مؤمن باش که عذرجوی بود و چون منافق مباش که عیبجوی بود (۱۶۲ پ)	هر که حاجت تو روا کند شکر کن و اگر تقصیر کند شکایت مکن و عذر وی در خویشتن بخواه چون مؤمن باش که عذرجوی <u>باشد</u> چون منافق مباش که عیبجوی بود (۶۱ ر)	هر که حاجت تو روا کند شکر کن و اگر تقصیر کند شکایت مکن و عذر وی در خویشتن بخواه. چون منافق مباش که عیبجوی بود (ص ۶۲)

۲-۲-۴-۲- خطاهای کاتب نسخه کتابخانه مجلس (به شماره ۵۵۵۲)

الف) کتابت نادرست واژه‌ها و عبارات

نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)	نسخه مورد استفاده اورنگ
چون به لحد رسیدی به سر بادیه رسیدی	چون به لحد رسیدی پس بادیه رسیدی (۱)

نسخه مورد استفاده اورتگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
(پ)	(۷۶ پ)
و تو درین دنیا بهمین بازنشسته (۲ ر)	و تو در این دنیای <u>دون پهن</u> بازنشسته‌ای (۷۷ ر)
و هرچه مقدار متناهی بود اگرچه دراز بود پرسیده گیر کار آخرت ابدی دارد که هرگز <u>نپرسد</u> (۲ پ)	هرچه متناهی بود اگرچند دراز بود پرسیده گیر کار آخرت ابدی دارد که هرگز <u>بنرسد</u> (۷۷ پ)
بازانکه هیچ کس از دنیا هیچ چیزی صافی و مسلم نباشد بلکه <u>منغص</u> و مکدر بود و آخرت بدنیا <u>منغص</u> بفروختن (۲ پ)	بازانکه هیچ کس را هیچ چیز از دنیا صافی و مسلم نشده‌است بلکه <u>منغص</u> و مکدر بوده‌است و آخرت به دنیای <u>منغص</u> بفروختن (۷۸ ر)
و از وی تصرف کردن در مملکت دیگری ممکن نیست که با وی مالکی محال باشد (۷ پ)	و از وی تصرف کردن در مملکت دیگری ممکن نیست، که با وی مالکی دیگر محال است (۸۵ پ)
و چون محاسن و <sup>۱۳</sup> بزرگ باشد چنانکه پوست نمی‌توان دید آب پوست باید رسانید (۱۳ ر)	و چون محاسن بزرگ نشده باشد چنان که پوست می‌توان دید، آب به پوست باید رسانید (۹۳ پ)
و خلال کن موی روی انگشتان (۱۳ پ)	و خلال کن میان موی روی به انگشتان (۹۳ پ)
و اگر العیاذ بالله بمعصیتی مشغول باشی تا به کار اندران رنج مسلمانان باشد این خود سبب هلاک باشد (۲۱ ر)	یا اگر و العیاذ بالله به معصیتی مشغول باشی یا به کاری که در آن رنج مسلمانان باشد، این خود سبب هلاک است (۱۰۵ پ)
حذر کن از آنکه سرمایه خویش بزبان آوری و همچنین بنده نباشد در حق خلق	حذر کن از آنکه سرمایه خود به زبان آری و همچنین درجه خلق بر سه حال



نسخه مورد استفاده اورتگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
بر سه حالت (۲۱ ر)	است (۱۰۶ ر)
چون بخواهی خفت در خاتمه خواب روی به قبله کن (۲۴ پ)	و چون بخواهی خفت به جامه خواب، روی به قبله بینداز (۱۱۰ پ)
اکنون که ترتیب اورادر <sup>۱۴</sup> نگاهداشتن اوقات دانستی باید که چگونگی نماز و روزه بدانی (۲۶ پ)	اکنون که ترتیب اوراد و نگاهداشتن اوقات بیاموختی، باید که چگونگی نماز و روزه بدانی (۱۱۴ ر)
و این غایت نگونسازی و ناینائی باشد (۲۷ ر)	و این غایت نگوساری و ناینایی باشد (۱۱۵ ر)
و آمین پیوسته به آخر سوره بگو باید که از وی گسسته داری (۲۸ ر)	و آمین پیوسته به آخر سوره مگوی، باید که از وی گسسته داری (۱۱۶ پ)
در نماز بامداد قنوت برخوان بعد از رکوع دوم دو رکعت چون فارغ شوی تکبیر کن (۲۹ ر)	و در نماز بامداد قنوت برخوان چون از رکوع دوم بر آیی و چون از قنوت فارغ شوی، تکبیر کن (۱۱۷ پ)
و دو کف دست بانگشتان راست بر زمین نه و در مقابله دو دوش و ساعد دست بر زمین گستر (۲۹ ر)	و کف دست با انگشتان راست بر زمین نه در مقابله دو دوش، و ساعد دست بر زمین منه (۱۱۸ ر)
و در حال برخاستن یک پای فرایش بدار و تکبیر ابتداء کن، از آن وقت که به نشستن نزدیک رسی تا آن وقت که به قیام نزدیک رسی پیوسته می دارد (۲۹ پ)	و در حال برخاستن یک پای فرایش مدار و تکبیر ابتدا کن از وقت برخاستن تا آن وقت که به قیام نزدیک رسی می کش (۱۱۸ پ)
و در تشهد بازنشین سرین چپ بر زمین نه و هر دو ساق بجانب راست آن زیر خود بیرون کن (۲۹ پ)	و در تشهد بازپسین سرین چپ بر زمین نه و هر دو ساق بر جانب راست از زیر بیرون کن (۱۱۹ ر)

نسخه مورد استفاده اورتگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (موزخ ۷۴۵ ق.)
بدانکه آدینه عید مؤمنانست ... از روز پنجشنبه بازسازد این روز کند ... نیت روزه روز آدینه است لیکن با پنجشنبه بهم یا روز شنبه که نهی است از روزه روز آدینه تنها (۳۲ ر)	بدان که روز آدینه عید مؤمنان است ... باید که از روز پنجشنبه باز ساز این روز می کنی ... و نیت روزه روز آدینه با پنجشنبه به هم کن که نهی است از روزه روز آدینه تنها (۱۲۰ پ، ۱۲۱ ر)
مقصود از روزه شکستن شهوت و ضعف قوت است (۳۵ ر)	از روزه مقصود شکستن قوت و ضعف شهوت است (۱۲۶ پ)
بهشت را دریست جداگانه نام آن زیانست جز روزه داران دران وارد نشوند (۳۵ پ)	بهشت را دری است جداگانه نام آن ریّان، از آن در درنشود هیچ کس جز روزه داران (۱۲۷ پ)
و بدانکه معصیتها بر تو اندامهای تست ... چون نعمت ویرا در معصیت بکار دادی در امانت وی خیانت کنی از ناسپاسی و نابکاری هیچ چیز باز نگرفته باشی (۳۶ ر)	و بدان که معصیت‌های تو به اندام‌های تو است ... چون نعمت وی را در معصیت وی بکار داری و در امانت وی خیانت کنی از ناسپاسی هیچ چیز باز نگرفته باشی (۱۲۷ پ)
و در ملکوت آسمان و زمین نظاره کن و عبرت گیر و عجایب صنع ایشان ببین (۳۶ پ)	در ملکوت آسمان و زمین نگری عبرت گیری، چون نظر کنی عجایب صنع پادشاه بینی (۱۲۸ پ)
بلکه شنونده شریک گوینده باشد و در وزر وبال شنونده انباز گویند <sup>۱۵</sup> (۳۷ ر)	بلکه شنونده در بزهداری شریک گوینده است بی خلاف در وزر و وبال (۱۲۹ پ)
و بر هیچ آدمی حکم مکن که وی منافق است و ملعون کیست <sup>۱۶</sup> (۴۱ ر)	و بر هیچ آدمی حکم مکن که وی منافق است یا ملعون (۱۳۴ پ)
و اشارت به زبان کردی و گفتی این مرد را کارها افکنده است (۴۲ ر)	و اشارت به زفان کردی و گفتی که این مرا در کارهای عظیم افکنده است (۱۳۵)

نسخه مورد استفاده اورتگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
	(پ)
و عبادت با خورش حرام چون بنائی باشد بررفتن (۴۲ پ)	و عبادت به نان حرام چون بنا باشد بر سرگین (۱۳۶ ر)
که صوفی مرد عدل بود که زیادت از عدالت در وی خصال عدالت دیگر بود کم از عدالت نباشد (۴۳ پ)	که صوفی مرد عدل بود و زیادت عدالت در وی بسیار خصال بود که آن شرط عدالت نبود (۱۳۷ پ)
اما دست نگاهدارد ازین که کسی را به زنا یا به حرامی دیگری یا در ودیعتی و امانتی خیانتی کنی (۴۴ ر)	و دست نگاهدار از آنکه کسی را بزنی و یا حرامی بگیری و یا اندر ودیعتی یا امانتی خیانت کنی (۱۳۸ ر)
هر که توانگری را تواضع کند برای توانگری وی و ترح <sup>۱۷</sup> از دین وی بشود (۴۴ ر)	هر که توانگری را تواضع کند برای توانگری وی، دو بهر از دین وی بشود (۱۳۸ پ)
احمق آن باشد که هر چه خواهد میکند و آنگاه خدای تعالی حکم کند و آرزو میخواهد به آرزوش ... و گوید که خدای تعالی کریم است باشد که مرا به همه علم بینا کند بی آموختن چنانکه دل بیعتر کسی توانگری خواهد و از تجارت و حراست و کسب کردن دست بدارد و بگوید که خدای کریم است (۴۵ ر)	و احمق آن بود که هر چه خواهد می کند و آنگاه پر خدای تعالی تحکم می کند و آرزو می خواهد ... و گوید باشد که دل مرا به علم ها بینا گرداند بی آموختن، چنان که دل پیغامبران بینا کرد و کسی که توانگری خواهد و کسب و تجارت دست بدارد و گوید: کریم و رحیم است (۱۳۹ ر)
و دوستی جاه چون غالب شد بدانجای رسد که پارسائی جای طلب کند (۴۷ ر)	و دوستی جاه چون غالب شد، بدانجا رسد که به پارسائی جاه طلب کند (۱۴۲ پ)
خدای تعالی گوید شما رقیب و نگهبانان	خدای تعالی و تقدس فرماید: شما رقیب

نسخه مورد استفاده اورتگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
گردانیده و من مطلع بر دل ویم (۵۱ ر)	و نگاهبان کردار بنده منید و من مطلعم بر دل وی (۱۴۸ ر)
یا معاذ زبان نگه دار از برای برادران و از خوانندگان قرآن و گناه خود بر دیگران حواله مکن و بزرگ خویشتی مکن با مردمان و نکوهیدن ایشان، بر خود ثنا مکن (۵۱ ر)	یا معاذ! زفان نگاه دار از آنکه در برادران خویش افتی از خواندن قرآن و گناه خود را بر خویشتن گیر و به دیگری حواله مکن و به نکوهیدن ایشان بر خویشتن ثنا مکن (۱۴۸ پ)
و طبع و خوی از یار به یار همچنان شود که پیش آتش طری که به آتش نزدیک شود (۵۷ پ)	و طبع آدمی خوگیر است و خوی آدمی از یار به یار همچنان شود که تبش آتش به کسی که نزدیک آتش بود (۱۵۷ ر)
و طمع از مال و جاه و معاونت حق بریده دارد که ثمره طمع جز رنج نباشد (۶۰ پ)	پس از مال و جاه و معاونت خلق دست بدار، که ثمره طمع جز رنج نباشد (۱۶۲ ر)
یکی را از مشایخ مریدی پرسید که مرا نشان ده ازین مریدان تو بکستی که بصحبت را نشاید گفت اگر کسی میجوئی که تو بار کشد بار وی کشی همچنان این را نشایند <sup>۱۸</sup> (۶۱ ر)	یکی را از مشایخ مریدی پرسید و گفت که: مرا دلالت کن بر کسی از مریدان تو که صحبت را شاید، گفت: اگر کسی می جوئی که بار تو بکشد، این دشوار بود و اگر کسی می خواهی که تو بار وی بکشی، همگان این را شایند (۱۶۳ پ)
و با ایشان (خانواده) بهشت <sup>۱۹</sup> زندگانی کن بی عنف و رفق گوئی ضعف و مذلت (۶۳ ر)	و با ایشان به هیبت زندگانی کن بی عنف و رفق کن بی ضعف و بی مذلت (۱۶۴ پ)
این مقدار که گفته آمد در این کتاب، زاد آخرت را نشاید که جامع است شرح	این مقدار که گفته آمد در این کتاب زاد آخرت را شاید، که جامع است شرح

نسخه مورد استفاده اورنگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
طاعات و معاصی را (۶۳ ر)	طاعات و معاصی را (۱۶۵ ر)
همچون مزدوری که همه روز بیدرند <sup>۲۰</sup> زیاده کند تا درمی به وی دهند (۶۳ پ)	همچون مزدوری بود که همه روز بیل زند و ناوه کشد تا درمی به وی دهند (۱۶۵ پ)

## ب) افتادگی‌ها

نسخه مورد استفاده اورنگ	نسخه کتابخانه ملی پاریس (مورخ ۷۴۵ ق.)
و آن تقوی است ... و این تقوی دو قسم بود: یکی آنکه هرچه ازان نهی کرد از آن دور باشد. و اما این هر دو قسم را بر آن اندازه که در کتاب بدایه به تازی گفته‌ایم بیان کنیم إنشاء الله تعالی عزّ و جلّ (۹ پ)	و آن تقوی است ... و این دو قسم است یکی آنکه هرچه بفرمود بجا آرد و دیگر آنکه هرچه از آن نهی کرد از آن دور باشد و ما این هر دو قسم یاد کردیم، بدان اندازه که در کتاب <i>بدایه الهدایه</i> گفته‌ایم بیان کنیم ان شاء الله تعالی (۸۸ ر)
ذات ایزد تعالی و تقدّس در دل ما معلوم است و بر زبان ما مذکور است و علم ما آفریده و معلوم قدیم و ذکر ما آفریده و مذکور قدیم همچنان کلام او در دل ما محفوظ و در زبان ما مقرو و در مصحف مکتوب محفوظ نامخلوق و حفظ و کتاب مخلوق و مقرو نامخلوق و قرات مخلوق (۶ پ)	ذات ایزد تعالی در دل ما معلوم است و بر زبان ما مذکور علم ما آفریده و معلوم ما قدیم و ذکر ما آفریده و مذکور قدیم، سخن وی همچنین قدیم است و در دل ما محفوظ و بر زبان ما مقرو و در مصحف مکتوب و محفوظ نامخلوق و حفظ و کتاب مخلوق و مقرو نامخلوق و قرات مخلوق و مکتوب نامخلوق و کتابت مخلوق (۸۴ ر)
که در خبر است که دعای بانگنماز و	که در خبر است: دعا میان بانگ نماز و

قامت رد نکنند (۲۴ ر)	قامت رد نکنند (۱۱۰ ر)
و جامها نرم فرومکن چنانچه حيله خواب فراخويستن كشي (۲۴ پ)	و جامه‌های نرم میفگن، چنان که به جد خواب به خويستن كشي (۱۱۱ ر)
و در نماز بامداد سوره‌های که در آخر قرآن درازتر است برخوان و در نماز شام آنکه کوتاه‌تر است و در نماز پیشین و ديگر خفتن آنکه میانه است (۲۸ ر)	و در نماز بامداد سورت‌هایی که در آخر قرآن درازترین است برخوان و در نماز شام کوتاه‌ترین و در نماز پیشین و نماز ديگر و خفتن آن که میانه است (۱۱۶ پ)
و به رکوع شو و دو کف دست بر دو زانو نه فرو گذار <sup>۲۱</sup> (۲۸ پ)	و به رکوع شو و دو کف دست بر زانو نه و انگشتان راست و گشاده به زانو فرو گذار (۱۱۷ ر)
جهد کن تا روزه را به طعام حلال گشائی و زیادت ازان نخوری که هر شبی که روزه نداشتی خورده. چه به یکبار و چه به دو بار بلکه چون به یکبار بود معده گران بود (۳۵ ر)	جهد کن که روزه به طعام حلال گشایی و زیادت از آن نخوری که هر شب می‌خوری. و چون طعام هر روزه تمام بخوری چه به یکبار و چه به دو بار، از روزه فایده‌ای نبود، بلکه چون به یکبار بود، معده گران شود (۱۲۶ پ)
و در خبر است که هیچ جایگاه نزد خدای تعالی دشمن‌تر از شکم نیست اگر چه از حلال بود (۳۵ پ)	و در خبر است که هیچ جایگاه نزد خدای تعالی بتر از شکم <u>پو</u> نیست، اگر چه از حلال بود (۱۲۶ پ)
و هر چه جز اینست چشم نگاه دار خاصه از چهار چیز از آنکه در نامحرم نگاه کنی، و به شهوت در صورت نیکو نگری، و از آنکه به چشم خود به مسلمانی نگری و وی را حقیر داری (۳۷ ر)	و از هر چه جز از این است چشم نگاه داری، خاصه از چهار چیز: یکی آنکه در نامحرم نگاه نکنی و به شهوت در صورت نیکو ننگری و از آنکه به حقارت در مسلمانی نگری، (۱۲۹ ر)
و با شاگردان رفق و کسی را که از وی سوالی بکند زجر نکند (۵۴ ر)	و با شاگردان زندگانی به رفق کند و کسی که از وی سؤال کند، زجر نکند

(۱۵۲ پ)	
و مال خویش را از تن خود عزیزتر مدار و از دوست روز عافیت حذر کن، تا مال و حشمت داری با تو دوست بود و به روز رنج از تو بگردد (۱۶۵ ر)	و مال خویش را از خود عزیزتر مدار و از او دوست بود و به روز رنج از تو بگردد (۶۵ ر)

### ۳- نتیجه گیری

زاد آخرت یکی از معدود آثار فارسی غزالی و ترجمه *بداية الهداية* اوست که فصولی در کلام بر آن اضافه دارد. این اثر پیشتر در سال ۱۳۵۲ خورشیدی به کوشش مراد اورنگ از روی نسخه‌ای نامعتبر و فاقد تاریخ کتابت تصحیح شده‌است. در این جستار نشان داده شد که به دلایل زیر این تصحیح علمی و انتقادی نیست و تصحیح مجدد آن بایسته و ضروری است:

۱. وجود نسخه‌های کهن و معتبر که از نظر ضبط واژه‌ها و عبارات به مراتب از نسخه مورد استفاده اورنگ بهتر و صحیح‌ترند.
۲. اشکالات متعدّد در نسخه مورد استفاده اورنگ که در دو دسته «کتابت نادرست واژه‌ها و عبارات» و «افتادگی‌ها» جای می‌گیرند.
۳. اشکالات گوناگون در تصحیح اورنگ مانند ایرادات نگارشی و ویرایشی، بدخوانی‌ها، جا انداختن‌ها و نداشتن شیوه علمی و یکسان در تصحیح.
۴. نداشتن مقدمه علمی شامل معرفی کامل اثر و نسخه مورد استفاده.
۵. نداشتن تعلیقات مناسب و فهرست‌های مختلف که استفاده از کتاب را برای محققان و پژوهشگران دشوار کرده‌است.

### یادداشت‌ها

۱. البته تعدادی نامه و رساله فارسی دیگر هم هست که انتساب آنها به غزالی مسلم است، از جمله *مکاتیب فارسی غزالی* که به *فضائل الانام من رسائل حجة الإسلام* شهرت دارد و دو رساله «مکتوب غزالی درباره اهل اباحه» و «رساله در بیان حماقت اهل اباحت».

۲. به باور برخی از پژوهشگران اینکه غزالی آثارش را به فارسی ترجمه کرده است تا عوام آنها را دریابند، نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز او نسبت به زبان فارسی و فارسی‌زبانان است (رک: متینی، ۱۳۶۵: ۶۹۴-۷۲۱).

۳. بر طبق فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، این دو چاپ در سال‌های ۱۲۶۸ق. و ۱۲۹۷ق. انجام شده است (مشار، ۱۳۵۱: ۱۸۱۵). اما طبق آنچه عارف نوشاهی در کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره آورده این دو چاپ در سال‌هایی که ذکر شد صورت گرفته است. تصویر هر دوی این چاپ‌های سنگی اینک در اختیار نگارندگان است و تاریخ چاپ آنها، سخن نوشاهی را تأیید می‌کند. اشتباه در ذکر تاریخ این دو چاپ سنگی از فهرست مشار به فهرستواره کتاب‌های فارسی نیز راه یافته است (رک: منزوی، ۱۳۸۲: ۴۷۸).

۴. نگارندگان تصحیح متن زاد آخرت را بر اساس کهن‌ترین دستنویس (مورخ ۷۴۵ق. کتابخانه ملی پاریس) و مقابله با پنج نسخه دیگر به انجام رسانده‌اند که به زودی به چاپ خواهد رسید.

۵. و اگر حلال نادر باشد، پس آن حرام است، چرا که غلبه با ظن است (یعنی چیزی که گمان نمی‌رود حلال باشد، حرام است حتی اگر یقین نداشته باشی) و از جمله حرام محض آن است که کسی مال وقف را برخلاف شرط واقف بخورد و کسی که به تحصیل اشتغال ندارد هرآنچه از مال مدرسه بخورد حرام است و کسی که به واسطه گناهی که کرده است شهادتش رد می‌شود، هرآنچه به نام صوفی بودن بگیرد (از وقف یا غیر آن) حرام است.

۶. و بدان که بنده در حق دینش بر سه درجه است: یا سالم است و به ادای فرایض و ترک گناهان بسنده می‌کند، یا سودبر است و به دنبال مستحبات و نوافل است، یا زیان‌کننده است و در انجام واجبات نیز کوتاهی می‌کند. پس اگر نمی‌توانی که سودبرنده باشی، پس بکوش که سالم باشی، و بر حذر باش و بر حذر باش از آن که زیان‌کننده باشی.

۷. خداوندا به تو پناه می‌برم از فتنه زندگی و مرگ و از فتنه مسیح دجال.

۸. در نسخه در این موضع کلمه «پاک» نوشته شده بوده، اما کاتب متوجه اشتباه خود شده و آن را تراشیده، با این حال اورنگ آن را در متن آورده است.

۹. «پیرایه» در دستنویس کمی نامانوس نوشته شده اما در بدایه الهدایه که مصحح مدعی شده در موارد ابهام بدان مراجعه می‌کرده، در برابر این کلمه «حلیه» آمده است. اورنگ درباره آن در پاورقی تنها این جمله را نوشته است: «خوب روشن نیست».

۱۰. ترکیب «پیکار کشیدن» در لغت‌نامه نیست. در آنجا تعبیر «پیکار کش» به معنای «پیکار‌کننده، جدلی و خصیم» آمده است. در حلیاء العلوم (۵۸/۳) در برابر این عبارت «الذّب عنه» آمده که



خوارزمی در ترجمه *احیا* (۲/ ۳۹۵) آن را به «دفع کردن» معنا کرده است. در *بدایه الیهادیه* (ص ۴۲) نیز در برابر «پیکار کشیدن» ترکیب «ذبّ عنه» آمده که در فرهنگ‌ها به «دفاع و حمایت کردن از کسی» معنا شده است. در چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۶ ق. (حاشیه ص ۵۸) در توضیح واژه پیکار آمده است: «پیکار به فتح اوّل و کاف فارسی بر وزن نزار، جنگ و جدال را گویند و به معنی قصد و اراده هم هست»، که این توضیح برای واژه «پیکار» در اینجا معنا نمی‌دهد، چرا که این واژه در ترکیب «پیکار کشیدن» به کار رفته و معنایی دیگر یافته است.

۱۱. اشکالات فراوانی در متن وجود دارد که بیشتر آن‌ها نشأت گرفته از بدخوانی مصحح است، اما به منظور جلوگیری از اطاله کلام تنها به ذکر همین چند مورد بسنده شد.

۱۲. خصلت پنجم از قلم مصحح افتاده است.

۱۳. در چاپ اورنگ «و» حذف شده است.

۱۴. اورنگ در صفحه ۲۶ «ترتیب اوراد در نگاهداشتن اوقات» آورده و گفته برابر *بدایه الیهادیه* چنین است.

۱۵. اورنگ در صفحه ۳۸ جمله را چنین اصلاح کرده: «بلکه شنونده شریک گوینده باشد و در وزر وبال شنونده انباز گوینده».

۱۶. در نسخه بی تاریخ کتابخانه معصومیه قم (شماره ۹۴)، این جمله بدین صورت آمده است: «و بر هیچ آدمی حکم مکن که وی منافق یا ملعونست که سرّ بندگان ایزد تعالی داند که منافق ملعون کیست»، که نشان می‌دهد در نسخه مورد استفاده اورنگ احتمالاً بخشی از جمله افتاده است.

۱۷. اورنگ درباره این واژه در پانوشت آورده است: «از این واژه چیزی فهمیده نمی‌شود. در فرمایش پیغمبر دو سوم است». با توجه به برخی نسخه‌ها از جمله نسخه بی تاریخ کتابخانه معصومیه قم (شماره ۹۴)، می‌توان حدس زد که این واژه در اصل «دو برخ» بوده است.

۱۸. اورنگ با بدخوانی و جا انداختن کلماتی از این بخش، بر ابهام متن افزوده است: «یکی را از مشایخ مریدی پرسید که مرا نشان ده ازین مریدان تو بکستی که بصحبت را نشاید. گفت اگر کسی میجوئی که تو بار کشد با روی همچنان این را نشانید» (ص ۶۳).

۱۹. اورنگ در توضیح واژه «بهشت» که به غلط در نسخه آمده است، در پانوشت آورده است: «بهشت = بنرمی و خوشروئی. از ریشه هسش بفتح اوّل و تشدید دوم بمعنی نرم و تازه روی یا گشاده روی» (ص ۶۴)!

۲۰. واژه «بیدرند» خطای کاتب است، اما اورنگ در پانوشت آن را چنین توضیح می‌دهد: «این واژه درست روشن نیست. شاید از دو واژه (بید) بمعنی (با دست) و (رند = رنده) بمعنی ابزار

درو دگران پیوند یافته باشد و رویهم رفته با واژه پشت سرش (زیاده کند) رنده کردن و چوب و تخته تراشیدن را برساند» (ص ۶۴)!

۲۱. اورنگ با استناد به *بداية الهدایه و کیمیای سعادت* چنین آورده است: «و به رکوع شو و دو کف دست بر دو زانو نه [انگشتان] فروگذار» (ص ۲۸).

### فهرست منابع

#### الف) کتاب‌ها

۱. بدوی، عبدالرحمن. (۱۹۷۷). *مؤلفات الغزالی*. کویت: وكالة المطبوعات.
۲. تسیحی، محمدحسین. (۱۳۸۴). *فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش*. اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۳. حسینی، سید محمد تقی. (۱۳۹۰). *فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)*. تهران: مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴. درایتی، مصطفی. (۱۳۹۰). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۵. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۲۷۶ق.). *زاد آخرت*. سید محمد شاه قادری. کلکته: مطبع مسلمانی. [چاپ سنگی].
۶. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۵۲). *زاد آخرت*. مراد اورنگ. تهران.
۷. غزالی، ابوحامد محمد. (ف ۵۰۵ ق.). *زاد آخرت*. پاریس: کتابخانه ملی. شماره مسلسل: ۲۸۶. [نسخه خطی]. تاریخ کتابت: ۷۴۵ ق.
۸. غزالی، ابوحامد محمد. (ف ۵۰۵ ق.). *زاد آخرت*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره مسلسل: ۵۵۵۲. [نسخه خطی]. تاریخ کتابت: بی‌تا.
۹. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۰. غزالی، ابوحامد محمد. (۲۰۱۰ / ۱۴۳۱). *احیاء علوم الدین*. تحقیق و تخریح: علی محمد مصطفی و سعید المحاسنی. دمشق: دارالفیحاء و دارالمنهل ناشرون.
۱۱. غزالی، ابوحامد محمد. (بی تا). *بداية الهدایه*، قاهره: دار الإحياء الكتب العربیة.

۱۲. منزوی، احمد. (۱۳۸۲). **فهرستواره کتاب‌های فارسی**. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۱۳. نقیبی، سید حسن. (۱۳۷۵). **فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستان مقدس حضرت معصومه (س)**. قم: زائر.

۱۴. نوشاهی، عارف. (۱۳۹۱). **کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره**. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

### ب) مقاله‌ها

۱. افشار شیرازی، احمد. (۱۳۵۴). «معرفی یک متن فارسی؛ زاد آخرت از غزالی». *پژوهشنامه بخش زبان شناسی موسسه آسیایی*. ش ۲. صص ۱-۱۵.

۲. برکت، محمد. (۱۳۸۴). «فهرست الفبایی نسخه‌های تک کتابی کتابخانه علامه طباطبایی شیراز». *نسخه پژوهی*، ش ۲. صص ۹۹-۲۴۲.

۳. سید حسین زاده، هدی. (۱۳۸۰). «نگاهی به فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس، اثر فرانسیس ریشار». *نامه فرهنگستان*. سال پنجم. ش ۲. صص ۱۹۰-۲۰۵.

۴. متینی، جلال. (۱۳۶۵). «غزالی در پیشگاه فرهنگ ایران». *ایران نامه*، سال ۴، ش ۲، صص ۶۹۴-۷۲۱.

### ج) منابع لاتین

1. Francis Richard. (1989). *Catalogue des manuscrits, bibliothe que national (Ancien fonds), Tom 1, Paris.*